

پوزیتیویسم منطقی

نویسنده: بابی کوهی

گردآوری: شارمین مهر آذر

Sh.mehrazar@gmail.com

مقدمه:

در این مقال سعی بر اینست که خواننده گرامی با کلیات یکی از مکاتب بشری آشنا گردد. در سلسله مقالاتی سعی دارم بزبان ساده مکاتب فلسفی را تبیین کنم تا برای همگان قابل درک باشد. ما باید بدانیم که تمامی اینها شاید در برابر مذاهب از ذهن بشر تراوش کردند اینها بدنبال چون منشا آسمانی ندارند و از زبان همنوعان ما بیان گردیده نه بدنبال ترساندن عوام و نه بدنبال وعده های خیالی بوده اند بدین علت در خور توجه شایان میباشند. چنانچه مطلب خاصی بود میتوانید با آدرس اینجانب که در پایین این مقال درج گردیده است مکاتبه کنید.

شرح مطلب:

فلسفه پوزیتیویسم منطقی که جایگزین فلسفه اتومیسم منطقی گردید، برای رد متافیزیک، از منطق ریاضی استفاده میکند. این فلسفه به بررسی و تحلیل منطق نحوی کلام و معانی گزاره های فلسفی میپردازد. این مکتب برای اولین بار در سال 1930 مصطلح گردید. این فلسفه از دو چشمه الهام گرفته است: 1- مکتب تحلیلی کمبریج 2- انجمن وین و همچنین تحت سه جریان فکری قرار دارد: 1- امپرسیسیسم و پوزیتیویسم قدیم 2- متدولوژی علوم تجربی 3- منطق سمبلیک و تحلیل منطقی زبان پوزیتیویسم منطقی بر خلاف ماتریالیسم دیالکتیک که تصور می کند جوهر هر چیزی مادی است، از بحث در باره جوهر هستی و ... خودداری میکند.

پوزیتیویسم های منطقی متافیزیک را نامعقول و اصطلاحاتی همانند: مثل افلاطونی، مطلق، حقیقت، عشق و بطور کلی مسائل متافیزیکی را تهی میدانند. بنظر آنها فقط احکام علمی و مدرکات حسی معتبر میباشد لذا آنها فراتر از نمود شناسی نمیروند و برای احکام انتزاعی و متافیزیکی ارزشی قائل نیستند و علم تجربی را یگانه راه کسب معرفت می دانند و به سیستم سازی فلسفی و نظریه بافی هم اعتقاد ندارند و معتقدند که تمام معارف باید بر اساس محسوسات **sence data** علم تجربی متکی باشد. پوزیتیویسم منطقی به امکان فهم علمی ماهیت جهان عینی اعتقاد ندارد و علم بشر را محدود به معلومات حسی میداند و چون به تجربه علمی اهمیت زیاد میدهد بنام امپرسیسیسم منطقی نیز خوانده میشود. بحث نمیکند و اعتقاد دارد چیزی غیر از **Unknowable** و ناشناختنی اسپنسر **Thing in it self** پوزیتیویسم منطقی هرگز درباره شیئی بالذات کانت احساسات و تصورات ما اصالت و موجودیت ندارد و ما نمی توانیم از وجود خود خارج شویم و جهان را چنانکه هست ببینیم بدین علت پوزیتیویسم منطقی اعتقاد به کشف جوهر اشیا ندارد.

مادیون معتقدند که پوزیتیویسم منطقی فلسفه ای است که طبقه بورژوازی برای اغفال مردم ابداع کرده اند چون این مکتب همانند ایده آلیسم عقیده دارد که از بی نشان نمی توان نشان جست . از نظر ماتریالیست ها ایده آلیسم بر سه قسم است :

1- ایده آلیسم برون ذاتی : این ایده آلیسم منکر جهان مادی نیست ولی ماده را متجلی حقیقتی روحانی میدانند که اصل است و ماده تابع آن .

2- ایده آلیسم درون ذاتی : این ایده آلیسم وجود جهان مادی را انکار می کند و فقط برای فکر و ذهن اصالت قائل است .

3- ایده آلیسم نسبی: معتقد بر نسبی بودن معرفت دارند و قائل به درک کنه اشیا نیستند.

انجمن وین :

این انجمن در سال 1920 تشکیل گردید و متشکل از دانشمندانی از قبیل موریتز شلیک و هانس هان و فردریش وایسمان و هربرت فیگل و اتو نئو رات و ردلف کارناپ بود. این گروه سمینارهای غیر رسمی تشکیل میدادند و آثار لودویک ویتگنشتاین (راجع به مطلبی که اطلاع نداری اظهار نظر نکن) را بسط میدادند. آنها سعی میکردند فلسفه را غربال کرده قسمتهای علمی و خرافی آنرا جدا کنند و عبارات غیر علمی را بعنوان اینکه شاعرانه و یا تصویری و یا انگیزه ای یا عاطفی یا ناشناختنی است , رد کنند . آنها علاوه بر کذب بودن موارد پوچی آنها را نیز ثابت می کردند و سعی میکردند فلسفه را از بیماری که دچار گردیده برهاند بگفته هربرت فیگل فلسفه مرضی است که خود فلسفه باید درمانش کند .

پوزیتیویست ها روش خاصی را در تعیین صحت و سقم یک عبارت فلسفی در پیش میگیرند . آنها عبارات را به دو دسته تقسیم میکنند :

1- عبارات ترکیبی 2- عبارات تحلیلی

معیار معنی دار بودن یک عبارت را بعنوان اصل تحقق می نامیدند . جملاتی درستی آنها از طریق تجربه اثبات میگردد ترکیبی می نامیدند و جملاتی که نیاز به تجربه نداشتند را تحلیلی می نامیدند . نظر آنها اینست که جملات یا ترکیبی هستند یا تحلیلی و جمله هم ترکیبی هم تجربی وجود ندارد و بطور کلی جملات تحلیلی به فلسفه و جملات ترکیبی به علوم مربوط می شوند. تفاوت دیگر بین عبارات ترکیبی و تحلیلی اینست که یک جمله تحلیلی می تواند ربطی به اشیا موجود در جهان نداشته باشد و صرفاً منطقی باشد مانند : کلیه شیاطین شیاطین اند ما از این عبارت نمیتوانیم صحت و سقم آنرا در یابیم ولی جمله میز قهوه ای رنگ است یک عبارت علمی است چون عینیت دارد.

informative و جملات ترکیبی اطلاع دهنده است **trivial** در نظر پیروان این مکتب جملات تحلیلی بی اهمیت جملات تحلیلی بی اهمیت اند چون فقط از لحاظ منطقی یا تعریف قابل ملاحظه میباشند حال آنکه جملات ترکیبی از واقعیات سخن می گویند نه موهومات و جملاتی با معنی میباشند .

در نظر پوزیتیویست منطقی , فلسفه نقد زبان است (ویتگنشتاین) چون فقط بدین وسیله میتوان معانی احکام علمی را روشن کرد و صحت و سقم یک عقیده را روشن کرد . در نظر آنان تحقیقات و مطالعات فلسفی باید بر مبنای تحلیل منطقی زبان صورت گیرد بدین معنی که درباره واقعیات تجربی و احکام کلی که درباره جهان اظهار شده , از طریق تحلیل منطقی زبان بررسی گردد .